



نذر و نذری دادن

شبهه: فلسفه نذری دادن چیست؟ آیا این کار ریشه‌های مذهبی دارد یا از سنخ خرافات است؟ حتی گفته شده **کار انگلیسی‌ها است!**

پاسخ: سنذر در دانش فقه، به معنای واجب ساختن چیزی بر خود است که در اصل، واجب نبوده است^(۱) «نذر» یک راه از تباطی با خدایست که در قالب یک الگوی سموچی‌های شکل می‌گیرد: ۱. نذر کند. ۲. خداوند متعال. ۳. آنچه از آن اجلسن ترس و ناامنی وجود دارد.

نذر کننده به‌منظور اینمی در برابر آنچه از آن می‌هراسد، با خداوند متعال پیمان می‌بندد که در صورت برخورداری از حمایت‌های الهی، عملی را انجام دهد یا ترک کند^(۲) با عنایت به این مطلب، در ادامه در قالب نکاتی به نقد و بررسی پرسش حاضر می‌پردازیم.

نذر نه تنها در قرآن و منابع اسلامی ذکر شده، بلکه در ادیان پیش‌بین نیز وجود داشت. از باب نمونه، تورات پس از ذکر احکام نذر، به نقش حفاظتی نذر اشاره می‌کند. یا در جایی دیگر، حتّاً، مادر سموئیل نذر نبی(ع)، به دیسلل نازایی نذر می‌کند که اگر دارای فرزند پسر شود، او را وقف خداوند خواهد کرد.

نکته اول: نذر در قرآن
در قرآن چندین مورد به «نذر» اشاره شده است. مثلاً درباره ولادت حضرت مریم (س)، همسر عمران با خداوند پیمان می‌بندد که در صورت زاییدن فرزند، او را برای خدا نذر خواهد کرد: «یاد کنید هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگار! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم(برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من) آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر…»^(۳) به گفته مفسران، همسر عمران برای راهی از رنج نازایی، این چنین نذر کرد.^(۴) در جایی دیگر، حضرت مریم (س)، برای دفع شرّ طعنه‌زنندگان، از نذر بهره گرفت.^(۵)
«همانان
(که) همواره نذرشان را وفا می‌کنند و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است، می‌زنند»^(۶)
نظر به نذر امام علی و حضرت فاطمه برای دفع بیماری از امام حسن و امام حسین(علیهم‌السلام) است.^(۷)
نکته دوم: نذر در ادیان پیشین
نذر نه تنها در قرآن و منابع اسلامی ذکر شده، بلکه در ادیان پیشین نیز وجود داشت. از اینکه این ماجرای سفارت انگلیس مربوط به دوران مشروطه و ۱۱۸ سال پیش است، در حالی که از زمان نزول قرآن بیش از هزار سال می‌گذرد و قدمت تورات نیز بیش از سه هزار سال است، بنابراین، نذر از آئین‌های معتبر دینی است و خرافه یا دست‌ساز انگلیسی‌ها نیست.

بی‌نوشته‌ها:
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۲ق، ج۴، صص۲۰، ۲۰۰.
۲. راقب اسفندی، حسین بن احمد المعرفات، به کوشش مفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷.
۳. پاکتچی، احمد و دیگران، جنمعلی‌ی مائه در قرآن کریم: تحلیلی زبان‌شناختی بر همکاری ریشه‌ای میان نذر و آنداز، دوفصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و زبان قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش، شماره ۱۳، صص ۱۰۳-۱۰۲.
۴. بقر، اعداد، ۲۲، ۲۴، ۴.
۵. کتب اول سموئیل نبی، ۱۱-۱.
۶. آل عمران، آیات ۲۵-۶.
۷. محمد بن عمر، مفتاح‌البی، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج۵، صص ۲۰۲-۷.
۸. محمد بن جریر، جامع‌البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ج۱۶، صص ۵۷-۸.
۹. آتسان، آیه ۷.
۱۰. محمد بن عبیدلله بن محمد، شواهد التنزیل، به کوشش محمداطاب محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق، ج۳، صص۲۹۳، ۲۹۷.
۱۱- جرای حمایت انگلیس از تحمن کنندگان در آن پالم، به توضیحاتی نیازمند است که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد.

آنچه درباره نذر انگلیسی‌ها در دوران مشروطه گفته شده نیز ناظر به پذیرایی از تحمن کنندگان در سفارت انگلیس است و ارتباطی با نذر ندارد.^(۱۱) گذشته از اینکه این ماجرای سفارت انگلیس مربوط به دوران مشروطه و ۱۱۸ سال پیش است، در حالی که از زمان نزول قرآن بیش از هزار سال می‌گذرد و قدمت تورات نیز بیش از سه هزار سال است، بنابراین، نذر از آئین‌های معتبر دینی است و خرافه یا دست‌ساز انگلیسی‌ها نیست.

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی استفاده از آلات موسیقی مشترک برای مقاصد حلال خرید و فروش ظروف طلا و نقره برای خوردن و آشامیدن

(س) **استفتاء**

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

استفاده از آلات موسیقی مشترک

برای مقاصد حلال

(س) **آلات موسیقی که دانش‌آموزان مدارس عضو گروه‌های سرود آموزش و پرورش از آنها استفاده می‌کنند چه حکمی دارند؟**
ج آن دسته از آلات موسیقی که در نظر عرف از آلات مشترک قابل استفاده برای کارهای حلال محسوب می‌شوند، جایز است به طور غیر الهوی برای استفاده حلال به کار گرفته شوند ولی آلتی که عرفاً از آلات مخصوص لهُو محسوب می‌شوند جایز نیست مورد استفاده قرار گیرند.

خرید و فروش ظروف طلا و نقره که به عنوان ظرف خوردن و آشامیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

ج خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره حرام است. ولی استفاده‌های دیگری غیر از خوردن و آشامیدن حرام نیست و اگر به قصد استفاده برای خوردن و آشامیدن ساخته یا خرید و فروش شود، جایز نیست.

خرید و فروش ظروف طلا برای دکوراسیون

(س) **ساخت و خرید و فروش ظروف طلا برای استفاده در دکوراسیون منزل و کارهای تزئینی دیگر چه حکمی دارد؟**

ج اشکال ندارد.

معامله طلا و نقره به صورت نسیه

(س) **آیا خرید و فروش طلا به صورت نسیه‌ای اشکال دارد؟**

ج نقدی بودن یا نسیه بودن قیمت کالا، وابسته به توافق دو طرف است. بله در طلا و نقره به برابر طلا، به صورت نسیه و یا گرفتن اضافه در برابر آن، جایز نیست.

فصل مالک شدن در معامله نسیه

(س) **در فروش نسیه طلا یا نقره، چه زمانی طلا یا نقره به ملک مشتری منتقل می‌شود، آیا زمان دریافت طلا از فروشنده، یا بعد از پرداخت کامل وجه؟**

ج نسیه یکی از انواع معاملات است که اگر شرایط لازم برای صحت معامله را دارا باشد، از لحظه معامله، کالا به ملک مشتری منتقل می‌شود و قیمت کالا در مدت مشخص شده پرداخت می‌گردد.

شیوه وضو گرفتن با دست زخمی

(س) **در اعضای وضو زخمی است که خوش بند آمده و روی آن باز است، برای وضو چه وظیفه‌ای دارم؟**

ج اگر روی زخم سله بسته و دیگر خون نباشد باید به طور معمول وضو بگیردی اما اگر روی زخم، خون است و شستن برای آن مضر است، اطراف آن را با قصد وضو بشویدی و احتیاط آن است که پارچه پاک‌ی روی زخم بگذاردی و دست ترّی روی آن بکشی.

نفرین کردن در نماز

(س) **آیا دعا علیه مؤمن (نفرین) در نماز، نماز را باطل می‌کند؟**

ج نفرین کردن مؤمن در نماز اگر مستحَقّ آن نباشد، حرام بوده و بنابر احتیاط واجب موجب بطلان نماز است؛ البته اگر جهل به موضوع داشته متدبّر اندک یا کافر و ظالم علی‌البدن و نفرین کرد و پس از مدتی معلوم شد او مسلمان و مؤمن بوده، نمازش باطل نیست.

امنیت حاصل مصدر «أمن» به معنای آرامش

ضدترس، حالتی باطنی و نفسانی است که در درون انسان به سبب عواملی خاص ایجاد می‌شود. از نظر آموزه‌های قرآنی، «ایمان» به خدا مهم‌ترین عامل راهیای از ترس ابدی و رسیدن به آرامش و سعادت است و همان‌گونه که سعادت انسان بستگی به آسایش بدنی دارد، فراتر از آن به آرامش روانی بستگی دارد.

امنیت و سلامت فراگیر و همه‌جانبه در همه شرایط (مریم، آیه ۱۵)، امری بسیار مهم برای انسان‌ها است که به عنوان نخستین خواسته انسانی مطرح می‌شود (بقره، آیه ۱۲۶)؛ از این‌رو همه انسان‌ها خواه مومن و خـِشـِواه کافر دنبال تحقق امنیت خویش به عنوان نخستین و اصلی‌ترین خواسته هستند. (نساء، آیه ۹۱) البته امنیت دارای انواع و اقسام چندی است، ولی همه انواع آن برای انسان مهم و اساسی است، هر چند که امنیت روانی بیش‌تر از دیگر انواع آن مورد اهتمام بسیاری از مردم است؛ اما امنیت جانی، مالی، عرضی، اجتماعی، فردی، شخصی، جمعی و مانند آنها نیز مورد اهتمام است.

امنیت و سلامت فراگیر و همه‌جانبه در همه شرایط (مریم، آیه ۱۵)، امری بسیار مهم برای انسان‌ها است که به عنوان نخستین خواسته انسانی مطرح می‌شود (بقره، آیه ۱۲۶)؛ از این‌رو همه انسان‌ها خواه مومن و خـِشـِواه کافر دنبال تحقق امنیت خویش به عنوان نخستین و اصلی‌ترین خواسته هستند. (نساء، آیه ۹۱) البته امنیت دارای انواع و اقسام چندی است، ولی همه انواع آن برای انسان مهم و اساسی است، هر چند که امنیت روانی بیش‌تر از دیگر انواع آن مورد اهتمام بسیاری از مردم است؛ اما امنیت جانی، مالی، عرضی، اجتماعی، فردی، شخصی، جمعی و مانند آنها نیز مورد اهتمام است.

اولین کسی که بخواهد به جایی مسافرت کند اولین دغدغه‌اش وجود امنیت در آن سرزمین است، به طوری که اگر سرزمین فاقد امنیت باشد بدان‌جا مسافرت نمی‌کند. بر همین اساس، یکی از روش‌های جلب گردشگر، خواه مذهبی (مانده، آیه ۲؛ ابراهیم، آیه ۲۵)، و خواه اقتصادی یا سکونت (یوسف، آیه ۹۹) موضوع امنیت فراگیر است.

از نظر توده مردم، امنیت و اطمینان نه تنها عامل اصلی سعادت، بلکه عامل اصلی رشد اقتصادی و شکوفایی آسایشی جوامع است. نحل، آیه ۱۱۲)، بنابراین، هر کسی دوست دارد در جایی سکونت و زندگی کند که نخست امنیت وی تأمین شود تا آسایش نیز تحقق یابد. (همان) از همین رو اگر جایی باشد که امنیتش تأمین نشود، نسبت به آن گرایشی ندارد. بنابراین، خدا در توصیف مکه به عنصر اساسی امنیت اشاره می‌کند (تین، آیه ۲؛ ابراهیم، آیه ۲۵) سپس به عنصر آسایش توجه می‌دهد. (نحل، آیه ۱۱۲)

یکی از وعده‌های الهی بـه مؤمنان صالح این است که از خوف به امنیت می‌رسند (نور، آیه ۵۵) و مشکلاتشان این‌گونه برطرف می‌شود.

بـه هر حال، از نظر قرآن، سعادت یا دو عنصر اساسی امنیت و رفاه یا همان آرامش و آسایش تحقق می‌یابد و انسان دوست دارد در چنین اجتماعی زندگی کند. (قریش، آیه ۲۰؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ مانده، آیه ۲) بر همین اساس اسلام و امت اسلامی تحقق بخش چنین اجتماعی است که تأمین‌کننده آرامش و آسایش است.

لذا از همه مردم می‌خواهد تا در «سلم» وارد شوند که تأمین‌کننده صلح و امنیت است، درحالی که غیر اسلام و تبعیت از گام‌های شیطانی موجب زوال این دو عنصر است. (بقره، آیه ۲۰۸)

خدا در قرآن به طالبان امنیت هشدار می‌دهد که هرگونه شرک، کفر، کفران و اعمال ناشایست می‌تواند موجب سلب امنیت و آرامش باشد و کسانی که کفر یا کفران می‌کنند، گرفتار خوف شده و امنیتشان از دست می‌رود.

ایمان خالصانه به پروردگار هستی (انعام، آیه ۸۲؛ نحل، آیه ۱۱۲) عمل صالح (سباء، آیه ۳۷)، هدایت‌یافتگی (طه، آیه ۳۷)، شکرگزاری و عدم کفران نعمت‌ها (نحل، آیه ۱۱۲)، تقوی الهی (شعراء، آیات ۱۲۴ و ۱۲۶) جهاد در راه خدا علیه کافران و جنگ‌طلبی آنان (نساء، آیه ۸۴)، تلاش برای کسب

گاه انسان چنان در شرایط سخت و شکننده‌ای قرار می‌گیرد که جز از خدا کاری بر نمی‌آید. در چنین شرایطی دستان خود را به سوی آسمان بلند می‌کند و بـا تمام وجود در حالت تضرع و انابه از عمق جان فریاد می‌زند و استغاثه می‌کند تا خدا مددش را بگیرد و از موقعیت و شرایط خطرناک برهاند.

بر اساس تعلیم وحیانی، استغاثه حقیقی برای راهیای از شادیند همواره با تضرع و زاری در قالب شعار «اُوغوثانه»، نشان‌دهنده اوج کمک‌خواهی و درخواست از خدای یکتا و قادر متعال است، به ویژه آنکه انسان در حال شدت ناتوانی و ذلت در برابر عزت خدا، با صدای بلند و تضرع برای رفع گرفتاری‌ها در حالت اضطراب استغاثه می‌کند.(نحل، آیه ۵۴ و ۵۳؛ نمل، آیه ۶۲) قرآن بیان می‌کند زمانی که انسان مضطر باشد؛ این ضرورت موجب می‌شود تا مخلصانه و بی‌حسـِرا و از عمق جان خدایش را به یاری بخواند و خدا دعایش اجابت کند و مشکلاتش را برطرف نماید.(نمل، آیه ۶۲)

هر گاه انسان پروردگارش را استغاثه کند، خدا نیز دعایش را اجابت می‌کند و همچنان که خدا را در جهاد، با فرشتگان خویش یاری می‌رساند، اهل استغاثه را نیز یاری می‌دهد.(انفال، آیه ۹) از نگاه قرآن، وضعیت و شرایط سخت استغاثه کنندگان، آنان را به‌شدت به تضرع و زاری و انابه می‌اندازد و فریاد بر می‌آورند و از خدا می‌خواهند تا دستگیر آنان شود و خدا نیز دستگیرشان می‌شود و مشکلاتشان را با اسباب گوناگون و حتی امدادهای غیبی برطرف می‌سازد.(انفال، آیه ۹)

وقتی انسان واقعا مضطر باشد و استغاثه به درگاه خدا کند، خدا با امدادهای غیبی خویش دستگیرش می‌شود(همان: انبیاء، آیه ۲۶ و ۷۷) و پیروزی را برای او رقم می‌زند.(نمل، آیه ۲۴) بر اساس تعلیم قرآنی، انسان در پی استغاثه به درگاه خدا مورد عنایت او قرار می‌گیرد و گرفتارهایش را برطرف کرده(انعام، آیات ۶۳ و ۶۴؛ یونس، آیات ۲۲ و ۲۳) و از آندوه و بلای عظیم نجات می‌یابد چون کفر(کهف، آیه

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

اصولا شکوفایی و رشد و توسعه اقتصادی در گرو امنیت به‌ویژه امنیت اقتصادی و امنیت راه‌ها و مانند آن است؛ از همین‌رو پیامبران تلاش داشتند تا برای شکوفایی اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای عدالت اقتصادی همچون ترازو و پیمانه و ایجاد امنیت در راه‌ها به شکوفایی اقتصادی و سلامت و رشد آن کمک کنند.

خشنودی خدا در سایه حرکت در راه صلح (مانده، آیه ۱۶)، تقویت بنیه نظامی با تشکیلات و نفرت و تجهیزات مناسب (انفال، آیه ۶۰)، ایجاد مانع در برابر متجاوزان و مفسدان (کهف، آیات ۹۴ و ۹۷)، برخورداری از امدادهای الهی (فیل، آیات ۱ و ۵؛ قریش، آیات ۱ و ۴)، امداد پیمان‌های صلح با دیگران (فتح، آیه ۲۷) و مانند آنها از مهم‌ترین عوامل ایجادی امنیت و آرامش است.

از آنجا که منشا هر کمالی از جمله نعمت امنیت، خدا است، انسان باید به این نکته توجه داشته باشد که امنیت تنها در سبایه مشیت و اراده الهی تحقق می‌یابد. (یوسف، آیه ۹۹؛ بقره، آیه ۱۲۵؛ انفال، آیه

عوامل امنیت‌آفرین از نگاه قرآن



شکی نیست که ایجاد امنیت کامل و فراگیر و در همه ابعاد و ساحات نه تنها می‌تواند موجب شکوفایی اقتصادی و رفاه و فراوانی نعمت و افزایش گردشگری و مسافرت و مانند آنها شود، بلکه می‌تواند موجب افزایش رویکرد مردم به عبادت و رشد و تعالی انسانی و دستیابی به کمال را فراهم آورد که سعادت اخروی و ابدی انسان در گرو آن است. از همین‌رو جامعه‌ای که به امنیت و اطمینان دست یافته است، از همه ابعاد در سلامت و رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد و آسایش دو سرای مردم آن فراهم می‌شود. کافران و مشرکان، گرفتار احساس امنیت کاذب هستند که ایشان را جزو زاینکاران قرار می‌دهد (اعراف، آیه ۹۹؛ زبرا کفر و کفران و شرک و مانند آنها، عامل خشم الهی است و کسی که گرفتار خشم خدا شود، گرفتار مکر الهی می‌شود و این‌گونه

۲۶؛ حبشر، آیه ۲۲) بنابراین لازم است تا با ایمان به خدا و عبادت خدا (قریش، آیات ۳ و ۴) امنیت حقیقی را از خدا بخواهند تا از هرگونه گزند در امان مانند (فتح، آیه ۲۷)

به سخن دیگر، اگر خواستگاه امنیت مشیت الهی و خدا است (یوسف، آیه ۹۹)، هر کسی نعمت امنیت را در سایه مشیت و سنت الهی تجربه خواهد کرد نه در جای دیگر. (انفال، آیه ۲۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ قریش، آیات ۳ و ۴) و همچنین ارزش و اهمیت ولای امنیت موجب می‌شود تا مهم‌ترین ویژگی بهشت افزون‌بر آسایش همان آرامش و امنیت باشد که خدا برای مؤمنان صالح فراهم کرده است. (دخان، آیات ۵۱ تا ۵۵) خدا در قرآن به طالبان امنیت هشدار می‌دهد که هرگونه شرک، کفر، کفران و اعمال ناشایست می‌تواند موجب سلب امنیت و آرامش باشد و کسانی که کفر یا کفران می‌کنند، گرفتار خوف شده و امنیتشان از دست می‌رود. (نحل، آیه ۱۱۲؛ سباء، آیات ۱۸ و ۱۹؛ انعام، آیه ۸۱؛ اعراف، آیات ۹۱ و ۹۲) رفتارهای زشت و گناهی همچون آدم‌ربایی (انفال، آیه ۲۶؛ قصص، آیه ۶۷)، راهزنی (اعراف، آیات ۸۶) و افشای اخبار امنیتی پیش از راجع آن به متصدیان امور (نساء، آیه ۱۱۲) و مانند آنها می‌تواند عامل سلب نعمت امنیت شود.

افسام و آثار امنیت

از منظر قرآن امنیت لازم است در همه ساحات

آیات ۷۶ تا ۸۸) و بیمارهای سخت درمان یا بی‌درمانش را درمان می‌کنند(ص، آیات ۴۱ تا ۴۳) و اگر خواهان فضل و نعمتی همچون فرزند باشد، به او عطا می‌کند.(انبیاء، آیه ۸۹ و ۹۰)
عوامل اجابت و عدم اجابت استغاثه

اصولا کسی که استغاثه می‌کند خدا دعایش را اجابت می‌کند و مشکلاتش را برطرف نماید و نعمتی که می‌خواهد به او می‌دهد؛ زیرا کسی که در

خدا، فریادرس استغاثه مضطران حمید مبارشی

۶۴ و ۶۵) و مجرمان(زخرف، آیات ۷۴ و ۷۷) و مستمگران(کهف، آیه ۲۹) و مستکبران(مؤمنون، آیات ۶۴ تا ۶۷) و مسرفان(یونس، آیه ۱۲)، متجاوزان و تعدی کنندگان(اعراف، آیه ۵۵) می‌فایده است و خدا جواب مثبت به آنان نمی‌دهد؛ زیرا این گروه‌ها مغفوب در پیشگاه خدا هستند و خدا آنان را محبوب نمی‌داند.

بر اساس تعلیم قرآنی، انسان در پی استغاثه به درگاه خدا مورد عنایت او قـسـار می‌گیرد و گرفتارهایش را برطرف کرده و از آندوه و بلای عظیم نجات می‌بخشد و بیمارهای سخت درمان یا بی‌درمانش را درمان می‌کند و اگر خواهان فضل و نعمتی همچون فرزند باشد، به او عطا می‌کند.

نمل، آیه ۶۲) و با امدادهای غیبی خویش، غریق را نجات بخشیده(یونس، آیات ۲۲ و ۲۳)، و با بلاها و گرفتاری‌ها رهایده(انبیاء، آیه ۷۶) و بر دشمنان و مخالفان پیروز می‌کند.(انفال، آیه ۹۰؛ انبیاء، آیات ۶۲ تا ۶۴؛ یونس، آیات ۱۲ و ۲۲ و ۲۳) برخی از مردم اصولا گرایشی به استغاثه ندارند؛ زیرا در دام شیطان افتاده و شیطان اعمال زشتشان را می‌آرید،

هستند، بستری برای تبلیغ و ابلاغ و اتمام حجت فراهم آید، هر چند که این افراد پس از دوره چند ماهه اسلام نیاورند، ولی چنین فضائی می‌بایست برای افراد فراهم نشود تا حقیقت گفته و شنیده شود. (توبه، آیه ۶)

شگفت اینکه در اسلام برخی از اماکن همچون حرم امن الهی نه تنها برای مؤمنان امنیت دارد، بلکه باید به گونه‌ای عمل شود که مجرم پناهجو تا زمانی که در آنجاست از امنیت برخوردار باشد و کسی متعرض او نشود. (آل عمران، آیه ۹۷؛ کافی، ج ۴، ص ۲۲۶، حدیث ۱) بنابراین، امنیت جانی ساکنان حرم ضروری است(قصص، آیه ۵۷؛ عنکبوت، آیه ۶۷) و لازم است تا این شرایط برای حتی مجرمان پناهجسته نیز فراهم آید.

از نظر قرآن، امنیت عبادی باید برای حجاج از نظر جانی و اقتصادی و مانند آنها فراهم شود (مانده، آیه ۲؛ زبرا وجود امنیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شرایط انجام واجب دینی حج است. (بقره، آیه ۱۹۶) بنابراین بر دولت‌ها و مؤمنان است تا چنین شرایطی را حجاج کعبه فراهم کنند. (همان)

شکی نیست که ایجاد امنیت کامل و فراگیر و در همه ابعاد و ساحات نه تنها می‌تواند موجب شکوفایی اقتصادی و رفاه و فراوانی نعمت (بقره، آیه ۱۲۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ قصص، آیه ۵۷) و افزایش گردشگری و مسافرت (سباء، آیه ۱۸) و مانند آنها شود، بلکه می‌تواند موجبات افزایش رویکرد مردم به عبادت و رشد و تعالی انسانی (نور، آیه ۵۵؛ قریش، آیات ۳ و ۴) و دستیابی به کمال را فراهم آورد که سعادت اخروی و ابدی انسان در گرو آن است. از همین‌رو جامعه‌ای که به امنیت و اطمینان دست یافته است، از همه ابعاد در سلامت و رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد و آسایش دو سرای مردم آن فراهم می‌شود. کافران و مشرکان، گرفتار احساس امنیت کاذب هستند که ایشان را جزو زاینکاران قرار می‌دهد (اعراف، آیه ۹۹؛ زبرا کفر و کفران و شرک و مانند آنها، عامل خشم الهی است و کسی که گرفتار خشم خدا شود، گرفتار مکر الهی می‌شود و این‌گونه

شکی نیست که ایجاد امنیت کامل و فراگیر و در همه ابعاد و ساحات نه تنها می‌تواند موجب شکوفایی اقتصادی و رفاه و فراوانی نعمت و افزایش گردشگری و مسافرت و مانند آنها شود، بلکه می‌تواند موجب افزایش رویکرد مردم به عبادت و رشد و تعالی انسانی و دستیابی به کمال را فراهم آورد که سعادت اخروی و ابدی انسان در گرو آن است. از همین‌رو جامعه‌ای که به امنیت و اطمینان دست یافته است، از همه ابعاد در سلامت و رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد و آسایش دو سرای مردم آن فراهم می‌شود. کافران و مشرکان، گرفتار احساس امنیت کاذب هستند که ایشان را جزو زاینکاران قرار می‌دهد (اعراف، آیه ۹۹؛ زبرا کفر و کفران و شرک و مانند آنها، عامل خشم الهی است و کسی که گرفتار خشم خدا شود، گرفتار مکر الهی می‌شود و این‌گونه

شکی نیست که ایجاد امنیت کامل و فراگیر و در همه ابعاد و ساحات نه تنها می‌تواند موجب شکوفایی اقتصادی و رفاه و فراوانی نعمت و افزایش گردشگری و مسافرت و مانند آنها شود، بلکه می‌تواند موجب افزایش رویکرد مردم به عبادت و رشد و تعالی انسانی و دستیابی به کمال را فراهم آورد که سعادت اخروی و ابدی انسان در گرو آن است. از همین‌رو جامعه‌ای که به امنیت و اطمینان دست یافته است، از همه ابعاد در سلامت و رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد و آسایش دو سرای مردم آن فراهم می‌شود. کافران و مشرکان، گرفتار احساس امنیت کاذب هستند که ایشان را جزو زاینکاران قرار می‌دهد (اعراف، آیه ۹۹؛ زبرا کفر و کفران و شرک و مانند آنها، عامل خشم الهی است و کسی که گرفتار خشم خدا شود، گرفتار مکر الهی می‌شود و این‌گونه

شکی نیست که ایجاد امنیت کامل و فراگیر و در همه ابعاد و ساحات نه تنها می‌تواند موجب شکوفایی اقتصادی و رفاه و فراوانی نعمت و افزایش گردشگری و مسافرت و مانند آنها شود، بلکه می‌تواند موجب افزایش رویکرد مردم به عبادت و رشد و تعالی انسانی و دستیابی به کمال را فراهم آورد که سعادت اخروی و ابدی انسان در گرو آن است. از همین‌رو جامعه‌ای که به امنیت و اطمینان دست یافته است، از همه ابعاد در سلامت و رشد و شکوفایی قرار می‌گیرد و آسایش دو سرای مردم آن فراهم می‌شود.

اصولا شکوفایی و رشد و توسعه اقتصادی در گرو امنیت به‌ویژه امنیت اقتصادی و امنیت راه‌ها و مانند آن است؛ از همین‌رو پیامبران تلاش داشتند تا برای شکوفایی اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای عدالت اقتصادی همچون ترازو و پیمانه و ایجاد امنیت در راه‌ها به شکوفایی اقتصادی و سلامت و رشد آن کمک کنند. (اعراف، آیات ۸۵ و ۸۶) عبادت برای مؤمنان زمانی خواهد بود که امنیت به‌ویژه امنیت عبادی در مراکز عبادی و شهرهای آن فراهم باشد؛ لذا حضرت ابراهیم(ع) از خدا خواهان تحقق امنیت عبادی است (بقره، آیه ۱۲۶) و خدا چنین امنیتی را برای ایشان فراهم آورده است. همچنین با بهبودی وضعیت اقتصادی و رفاه نتیجه افزایش ثروت، امکان تناسل و زندگی سالم در محیط‌های امن فراهم می‌شود. از همین روست که حضرت یوسف(ع) خواهان ورود خانواده به مصر می‌شود که در آنجا در سامانه عدالت آن حضرت(ع) رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم آمده و امنیت کامل را قلمه عدالت برقرار شده بود. (یوسف، آیه ۹۹) چنان‌که اقدامات حضرت شعیب(ع) نیز موجب رشد بود تا امکان پناهجویی برای حضرت موسی(ع) فراهم آید و در امنیت قرار گیرد و زندگی سالمی را تجربه کند. (قصص، آیات ۲۰ تا ۲۵) لازم است تا با تأمین امنیت برای مشرکان و کافرانی که خواهان معرفت و شناخت به اسلام

۲۹؛ مؤمنون، آیات ۶۴ تا ۶۶)، استیکار(همان) و ناحق‌گویی و زشت‌گویی(همان) است.

کسانی هستند که به‌هنگام خوشی و بدمستی و ناسپاسی خدا را یاد نمی‌کنند ولی وقتی گیر افتادند دست به استغاثه بلند می‌کنند. خدا به چنین کسانی پاسخ نمی‌دهد و اجابت دعا و استغاثه آنها نمی‌کند. (همان) بنابراین، از نظر قرآن، استغاثه کافران(ص، آیات ۳ و ۲۳) و مفرهانی بی‌خبر از خدا(مؤمنون، آیات

تا گرایشی به سوی خدا نداشته باشند.(انعام، آیات ۴۲ و ۴۳) همچنین اهل قساوت قلب نیز گرایشی به استغاثه و تضرع و انابه به پیشگاه خدا ندارند.(همان)

عوامل استغاثه

انسان‌ها در شرایط سخت گرایش به استغاثه به پیشگاه خدا و فریادرسی او دارند؛ زیرا وقتی متوجه روبریت خدا می‌شوند می‌فهمند که هیچ کس به عالم نمی‌تواند فریادرس آنها باشد.(انفال، آیه ۹؛ فاطر، آیه ۲۷) اصولا انسان‌ها را در شرایط بسیار سخت دنبال استغاثه می‌روند و آن را راه‌های خویش می‌بایند. این سختی خواه به سبب اعمال خودشان باشد یا فشار و ظلم دیگران. از نظر قرآن، حتی دوزخیان وقتی عذاب الهی را می‌بینند، فریاد استغاثه بر می‌دارند.(فاطر، آیات ۲۶ و ۳۷؛ زخرف، آیات ۷۵ و ۷۷) و گرفتاری به امواج عظیم دریا و شرایط غرق شدن(یونس، آیه ۲۲)، ستم کارگران(نساء، آیه ۷۵)، فشار و سختی و مصیبت‌های زندگی از ابتلائات و فتنه‌های الهی(النعام، آیات ۴۲ و ۴۳ و ۶۳؛ اعراف، آیه ۹۴) بیماری‌های سخت درمان یا بی‌درمان(انبیاء، آیه ۸۲؛ ص، آیه ۴۱)، بی‌فرزند ی(انبیاء، آیات ۸۹)، شرایط سخت جهادی و حملات سنگین دشمن(انفال، آیه ۹)، اضطراب شدید(نمل، آیه ۶۴)، ظلمات زندگی و غم و آندوه شدید(انبیاء، آیات ۸۷ و ۸۸)، گرفتاری‌ها و بلاهای عظیم(صافات، آیات ۷۵ و ۷۶) و مانند آنها از جمله مهم‌ترین عوامل استغاثه به پیشگاه خدا هستند.

صفحه ۷

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴

۲۳ آرشال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۷



زنده‌بودن آیات قرآن همانند جریان شب و روز

قال الامام صادق(ع): «لَنْ اَقْرَأَ حَى لَیْمَوْتُ، وَاِلَیْهِ حَیْهَ کَمَا یَجِی الَیْلِ و النّهار و کَمَا تَجِی الشَّمسُ و القمر. یَجِی علی آخِرنا کَمَا یَجِی علی اولنا».

امام صادق(ع) فرمود: «قرآن حی است و آیات قرآن زنده‌اند، و مانند شب و روز در جریان است، و همچون خورشید بر تارک قرون و اعصار می‌درخشد، و بر گروه‌های آینده از کاروان بشریت جاری است، همچنان که بر جوامع اولیه جاری بود.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۰۳



علت طولانی‌تر شدن زندان حضرت یوسف(ع)

امام صادق می‌فرماید: «بعد از این داستان حضرت یوسف(ع)، جبرئیل نزد یوسف(ع) آمد و گفت: چه کسی تو را زیباترین مردم قرار داد؟ گفت پروردگار من! گفت: چه کسی مهر تو را آن‌چنان در دل پدر افکند؟ گفت: پروردگار من! گفت: چه کسی قافله را به سراغ تو فرستاد، تا از چاه نجات دهند؟ گفت: پروردگار من! گفت: چه کسی سنگ را (که از فراز چاه افکنده بودند) از تو دور کرد؟ گفت: پروردگار من! گفت: چه کسی تو را از چاه رهایی بخشید؟ گفت: پروردگار من! گفت: چه کسی مکر و حیله زنان مصر را از تو دور کرد؟ گفت: پروردگار من! از اینجا جبرئیل چنین گفت: پروردگار می‌گوید: چه چیز سبب شد که حاجت را به نزد مخلوق بردی و نزد من نیاوردی؟ و به همین جهت باید چند سال در زندان بمانی»^(۲)

۱- تفسیر نمونه، آیاله مکارم‌شیرازی، ذیل آیه ۴۲ سوره یوسف



عدم تعارض تمسک به علل و اسباب با اخلاص

پرسش:
حضرت یوسف پیامبر(ع) که در مرتبه بالایی از توحید خالص قرار دارد از یک‌سو می‌فرماید: «برای ما سزاوار نیست که چیزی را شـرـیـک قرار دهیم»، اما از طرفی دیگر هنگامی که در زندان بود، به فردی که در آینده قرار بود در دستگاه عزیز مصر مشغول به کار شود می‌فرماید: «مرا نزد آقای خود به یاد بیاور! آیا این دو نوع سخن مرمه تعارض با اخلاص توحیدی حضرت یوسف(ع) نمی‌باشد؟